

گزارش

سخنرای پروفیسور هوگو لتیش با عنوان "مردم نگاری سازمانی: روش شناسی و مقایسه"

در تاریخ 6 خرداد 1394 در انجمن انسان شناسی ایران

پروفیسور دکتر هوگو لتیش (Hugo Letiche) در دانشگاه شیکاگو مطالعات فرهنگی خوانده و رساله دکتری خود را در دانشگاه آمستردام راجع به «نقش ایدئولوژی در آموزش عالی» نوشته است. او که از 2012 استاد دانشکده مدیریت دانشگاه لستر انگلستان است، پیش از این در دانشگاههای مختلف از جمله دانشگاه آمستردام و دانشگاههای اوترخت و اراسموس در هلند، دانشگاه برکلی در کالیفرنیا، دانشگاه اوساکا در ژاپن، و دانشگاههای دورهام و اسکس در انگلستان تدریس کرده یا عضو هیئت علمی پژوهشی بوده - است. او از بنیانگذاران موسسههای پژوهشی مختلف از جمله موسسه پژوهشی اسپینوزا در هلند نیز هست.

علاقه پژوهشی لتیش همه حول انسانی کردن سازمانها، به خصوص سازمانهای پیچیده (complex) و نوظهور (emergent)

شکل گرفتهاند. او تفسیری پسا-پدیدارشناسانه از «سازماندهی» دارد و همچون سایر متفکرین ملهم از «نظریه پیچیدگی» معتقد است که سازمانهای جدید را دیگر نمیتوان به شیوه سنتی مدیریت کرد؛ بلکه تغییرات حاصله در سازمانها در دهههای اخیر مدیریتی بس انعطاف پذیرتر نسبت به تغییر، بی ثباتی و تنوع؛ بس سرسختانه تر در مقابل تمرکز قدرت، سلسله مراتب، و کنترل از بالا به پایین؛ و بس دوستانه تر نسبت به فعالیتهای گروهی و اشتراکی میطلبد. ویژگی مهم کار لتیش این است که او با ابزار مردم نگاری به مسائل فلسفی و اخلاقی همچون مسئولیت اجتماعی شرکتهای تجاری (CSR) و اخلاق تجارت، سازمانها و زیباییشناسی، و مفهوم «مراقبت» (care) در خدمات سازمانهای بهداشتی-درمانی نزدیک میشود. چرخش مردم نگاری در دهههای اخیر به سمت توجه به «تأثرات» (affects) در شیوه مردم نگاری لتیش تاثیر زیادی داشته است.

پروفیسور لتیش نویسنده ای پرتألیف هستند و مقالات و کتاب های ایشان در این حوزه مطالعاتی کراراً مورد ارجاع قرار گرفته اند. با توجه به اهمیت مردم نگاری سازمانی به عنوان رویکردی کاربردی که در عین حال چرخش مهمی در مطالعات انسان شناسی، از مطالعاتی افراد فرودست به سمت مطالعاتی اقشار حرفه ای و متخصص، ایجاد کرده است، انجمن انسان شناسی ایران از دکتر لتیش دعوت کرد تا در خصوص این رویکرد مطالعاتی و نیز تجارب خود ایشان در پژوهش و راهنمایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی به ایراد سخنرانی بپردازند. به این ترتیب جلسهی سخنرانی و پرسش و پاسخ با عنوان "دم نگاری سازمانی: روش شناسی و مقایسه" در روز 6 خرداد ماه 1394 در محل انجمن انسان شناسی ایران واقع در دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد.

سخنرانی دکتر لتیش و جلسه پرسش و پاسخ با ترجمه همزمان دکتر مهرداد عربستانی صورت گرفت و این فرصت را برای حضار فراهم آورد که علاوه بر آشنایی با رویکردها و ویژه‌های دکتر لتیش به پرسش و تبادل نظر با ایشان بپردازند. در گزارش خلاصه‌ایم از مطالب ارائه شده در این جلسه آمده است.

پروفسور هوگو لتیش در ابتدا و در پاسخ این سوال که مردمنگاری سازمانی افراد حرفه‌ای و متخصص چیست؟، صحبت‌های خودشان را با توصیف نمونه‌های از کارهایی که یکی از دانشجویانشان انجام داده است شروع کردند. این کار توسط سمیر مکارم دانشجوی لبنانی ایشان که در شرکت ایتکو (ITCO) در ابوظبی سمت مشاور داشته است انجام شده و در کتابی با عنوان «من» ایتکو و فرا سرمایه‌داری» (ME, ITCO and HYPER-CAPITALISM) چاپ شده است. ایشان با توصیف روایت‌های سمیر از فضای کار در این شرکت ادامه دادند که این شرکت سازمانی است که بزرگ‌ترین پروژه‌های آی تی در ابوظبی و کل منطقه را در دست دارد و در عین حال این شرکت هرگز پروژه‌هایش را به طور کامل به اتمام نمی‌رساند، و در انجام پروژه‌ها یا در برنامه‌ریزی زمانی ناموفق عمل کرده و از پروژه عقب می‌ماند و یا در برنامه‌ریزی برای بودجه پروژه با مشکل روبه‌روست. شرکتی که هیچ توجیه اقتصادی ندارد و صرفاً پروژه‌هایی بی‌پایه برای مطرح کردن شیخ مالک شرکت انجام می‌داد. پروفسور لتیش پس از ارائه روایتی جذاب از جزئیات توصیف‌های سمیر در خصوص شرکت ایتکو چنین نتیجه گرفت: اولین مسأله در مردمنگاری سازمانی ارائه داستان و روایتی است مانند آنچه از وضعیت ایتکو در اینجا ارائه شد. ارائه‌ی یافته‌هایی که خواننده آنها را احساس کند، او را جذب کند و مسأله‌های را طرح کند. ممکن است برای مردم نگار در نگاه اول غالباً تصور دقیق از اینکه چه چیزی می‌تواند در حوزه مورد مطالعه و بررسی‌شان جالب توجه باشد ممکن نباشد. این طرح مسأله به صورت یک روایت در واقع سوالی است که فتح باب مطالعه‌ی مردمنگاران است. مردم نگار در اینجا کسی است که خودش در این فضا مشغول کار و زندگی است و باید انقدر فاصله بگیرند که بتوانند داستان آن محیط را و جنبه‌های قابل توجه‌اش را بیابد و توصیف کند. ایشان ادامه دادند در این نوع مردمنگاری که خود افراد حرفه‌ای که در داخل سازمان هستند آن را انجام می‌دهند، سه مشکل روش شناختی وجود دارد. ابتدا اینکه متخصصان و کارشناسان این سازمانها غالباً با نوشتن مشکل دارند. آنها جز نامه‌های اداری کوتاه نوشتن بلد نیستند. مسأله دوم آموزش این موضوع به آنهاست که بتوانند از بیرون و با فاصله‌ی کافی به موضوع نگاه کنند. سومین مسأله ارتباط با یک نظریه کلانتر است. من در پروژه‌هایی که کار میکنم از فردی که کار میکند می‌خواهم توصیفی فرجه از هر آنچه که در نظرش جالب، جذاب، ترسناک، متعارض و ... است ارائه دهد. و صرفاً پس از آن است که من با محقق در خصوص نظریه‌ای که میشود آن توصیف‌ها را در چارچوب آن قرار داد، صحبت میکنم. و از این نظر من با مدل اثبات‌گرایانه آمریکایی و شروع کار از نظریه‌ها مخالف هستم. همه جوامع تابوهایی دارند، و باید توجه کرد که اصلی که به سازمان‌ها شکل می‌دهد همین تابو‌ها هستند. مردمنگاری خوب آن است که به تابوها هم توجه کند و آنها را به عنوان شکل‌دهنده به ساز و کارهای اجتماعی و سازمانی مورد دقت قرار دهد. دقیقاً به

همین دلیل است که کار روی سازمان ها در همه جای دنیا تبدیل به امری سیاسی می شود، چرا که خواه نا خواه با عناصر تابویی شکل دهنده ی ساختار سازمانی [و سیاسی] درگیر است.

ایشان در خصوص استفاده از نظریه در کارهایشان با اشاره به کار سمیر مکارم چنین ادامه دادند که: در این مورد نظریه مارکسیسم و تمرکز آن بر محدودیت منابع کاربرد ندارد، چه در این محیط اساسا افراد با محدودیت منابع و ضرورت رقابت بر سر منابع مواجه نیستند، اما با یکدیگر رفتار بسیار خصمانه‌ای دارند. ایشان در ادامه با تشریح نظریات بورديو و مفهوم عادتواره او به عنوان نظریه مورد استفاده سمیر در کارش مطرح نمودند و افزودند که اگر چه ارجاع به این نظریات رایج و مفاهیم دیگر در این کار وجود دارد، آنچه مهم است در واقع اطلاعاتی است که کسی در آن موقعیت، به عنوان بخشی از سازمان، می تواند به دست آورد.

پروفسور لنتیش در خصوص نحوه انجام پروژهایشان چنین توضیح دادند که تمام پروژهای ایشان بر مبنای یک ایمان کور بنا شده اند مبنی بر این که تنها پس از اینکه که حجم خوبی از داده‌ها و توصیف‌های فریه موجود باشد امکان ارائه تحلیل نظری وجود خواهد داشت.

ایشان در خصوص پیشینه ی نظری و فلسفی رویکردشان نیز به تأثیرشان از دریدا، برای دیدن هر چیز در قالب یک متن اشاره کردند. و نیز اینکه حاصل کار در نهایت تولید یک نظریه کلان نخواهد بود، در واقع با رویکردی متأثر از لیوتار، حاصل کار به صورت از خرده روایت‌هایی خواهد بود که بدون از بین بردن بسیاری از جزئیات مهم و بدون فدا کردن مسؤولیت اخلاقی واقعیت موجود را، البته با توجه به جایگاه نویسنده، به تصویر می کشد. همچنین در شروع کار بر اجتناب از قرار گرفتن در قالب مفاهیم غالب موجود و مفروض گرفتن آنها به عنوان امری پیشینی در مردمنگاری کلاسیک از جمله مفاهیم جنسیت، قشر بندی، باورها، نژادها، اقوام، خویشاوندی و پیوندهای خانوادگی، تقسیم کار و ... تاکید کردند. ایشان افزودند که البته ما به این مفاهیم به دلیل قدرت و اهمیت شان در فرهنگ رشته باز می گردیم، ولی برای اجتناب از تنگ و محدود شدن نگاه پژوهشگر توسط این مفاهیم در شروع تحقیق آگاه باشیم. تنها پس از آن است که می توانیم به این مفاهیم بازگردیم و از آنها بهره ببریم. به عبارت دیگر به سبب قدرتی که دارند و جایگاهی که در فرهنگ ما دارند میشود در ادامه به آنها رجوع شود و از آنها استفاده کرد. اما پیشاپیش مفروض دانستن آنها موجب تنگ شدن دید محقق میشود.

ایشان تجربه هایی مانند این کتاب را در فضای علمی زبان های انگلیسی، آلمانی و فرانسه معدود دانستند. کتابهایی که با دید تحلیلی و انتقادی به بررسی موضوع میپردازد و جزئیاتی بی شمار از جزئیات مردمنگاران ارائه میدهد. در مقابل این کتاب آثاری بازاری و سطحی در خصوص کار اقتصادی در دبی و ابوظبی هست که نه تنها رویکرد تحلیلی و انتقادی ندارد بلکه نویسنده آنها خود را کاملا پنهان میکند و امکان ایجاد ارتباط با خواننده خود را ندارد. تفاوت عمده این کتاب های توریستی-تجاری با آثاری از این دست

این است که در این آثار عمق تحلیلی و انتقادی وجود دارد، و ثانیاً به خاطر دغدغهی اخلاقی نویسنده، که آن را در متن آشکار می‌کند، این امکان برای خواننده ایجاد می‌شود که حضور مؤلف را حس کند و بتواند از طریق این مؤلف به موضوع دست یابد. در انتها و پس از پایان سخنرانی، پروفیسور لتیش پاسخگوی سوالات حاضران در جلسه بودند.